

## ترور حکومتی، عملیات انتحاری، ادامه یکدیگر!

مسعود فتاحی

ترور شیخ احمد یاسین بنیانگذار حماس در باریکه غزه، توسط ارتش اسرائیل با واکنش های گوناگونی مواجه شده است. سخنگویان دولت آمریکا از اقدام دولت اسرائیل دفاع کرده اند و در عمل همان استدلال های آریل شارون را تکرار نموده اند که دست شیخ یاسین به خون اسرائیلی ها آلوده بوده است. اتحادیه اروپا این اقدام را محکوم نموده است. ترور شیخ یاسین را نقض مقررات بین المللی و خارج از دایره دولت متکی بر قانون دانسته است. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل این ترور دولتی را محکوم نموده است. شورای امنیت سازمان ملل با وتوی آمریکا از موضع گیری در این مورد باز مانده است. جامعه عرب در تنگنای حقارت تحمل همه آن چه که در این سال ها توسط اسرائیل و ایالات متحده تحمیل شده است، از شیخ یاسین قدیس دیگری ساخته است. سران جمهوری اسلامی از راست تا چپ سوژه جدیدی پیدا کرده اند که ریز و درشت در صدور بیانیه و اطلاعیه با هم مسابقه بگذارند.

به راستی با قتل شیخ یاسین چه برخوردی باید کرد؟ شکی نیست که شیخ احمد یاسین تا لحظه مرگ از عملیات انتحاری دفاع می کرد. مشوق ترور و رهبر فکری سازمان حماس بود که طی سال های اخیر سازمانده اصلی اقدامات انتحاری در اسرائیل بوده است. می شود به اعتبار مخالفت با عملیات انتحاری حماس که نقش مهمی در بن بست تلاش های صلح داشته است، ترور شیخ یاسین را تأیید کرد و یا در بهترین حالت در مورد این ترور سکوت کرد و به بهانه مرزبندی با دیدگاه های ضد یهود، از موضع گیری اجتناب کرد.

اما حق این است که در مقابل این اقدام دولت اسرائیل که تلاش های صلح را باز هم فرسنگ ها از هدف دور تر ساخت، ایستاده شود. در کشمکش بین دولت فعلی اسرائیل و فلسطینی ها، طرفداران صلح بی طرف نیستند. عملیات انتحاری را که سد راه صلح بوده و هست، محکوم می کنند و به همان شدت هم باید عملیات نظامی و قلدنرمنشانه آقای شارون را محکوم کنند. بازگشت به مذاکرات صلح فقط از طریق ترور ها نیست که همواره تهدید می شود، روحی که این ترور ها در کالبد جامعه اسرائیل در هیات آقای شارون دمیده اند، خود سد راه هر تلاشی برای صلح و شکستن دایره شوم ترور است و خود رسماً و علناً از دست زدن به ترور دفاع می کند.

شیخ احمد یاسین مثل هر کس دیگری در هر کجای جهان از این حق اولیه و طبیعی برخوردار بود که

در یک دادگاه صالحه محاکمه شود و اگر اتهامی بر او وارد بود، پاسخگو باشد. دولت اسرائیل می توانست شیخ یاسین را دستگیر کرده و به دادگاه بسپارد. چنانکه قبلاً هم او را دستگیر و زندانی کرده بود. فرق یک دولت متکی بر قانون با یک دولت بی قانون در مهار قدرت در حصار قانون است. از قرار معلوم در اسرائیل هنوز هم بعد از ده ها، حد اقل جائی که قانون در مورد مخالفین این دولت بویژه فلسطینیان مطرح است، فرق چندانی با بی قانونی ندارد.

ترور شیخ احمد یاسین یک جنایت رسمی بود. جنایتی که دولت رسمی یک کشور مدعی حکومت قانون انجام می دهد که در قانون این کشور اعدام رسماً لغو شده است. حکومت قانون مفهومی جز این ندارد که اقدامات دولت باید در چارچوب قانون قابل توضیح باشد. هیچ دادگاهی در اسرائیل شیخ یاسین را مثل دیگر قربانیان ترور دولتی این کشور، محکوم به مرگ نکرده بود. دادستان و قاضی و مجری حکم شیخ احمد یاسین دولت اسرائیل بوده است و به این نتیجه رسیده است که با کشتن شیخ احمد یاسین و امثالهم قادر است که فلسطینی ها را به گوسفندان رام قنفقداران ارتش اشغالگر اسرائیل تبدیل نماید و در اردوگاه های پناهندگی و شهر ها و روستاهای ویران تا ابد از ابتدائی ترین حقوقشان محروم سازد.

واقعیت این است که اشغال دراز مدت سرزمین های فلسطینی و تقلا بیماریارگونه برای ادامه این اشغال و تصاحب تدریجی سرزمین های فلسطینیان و تبدیل ملت فلسطین به یک توده فاقد حق و حقوق انسانی و امکانات لازم برای ادامه حیات، جامعه اسرائیل را هم، از درون مثل خوره خورده است. تبدیل خصومت کور و تراشیدن ریشه های تاریخی و مذهبی برای ادامه تعرض آشکار به حق حیات مردم فلسطین و تبدیل آن ها به توده های محبوس در اردوگاه های پناهندگی در کشور های عربی همسایه در طول پنجاه سال گذشته، با هر استدلالی، تا به امروز قبل از همه خود جامعه اسرائیل را به گروگان دولتمردانی از قماش آریل شارون مبدل ساخته است که فقط به زبان گلوله سخن می گویند، به بهانه تامین امنیت، خشونت را در زندگی اسرائیلی ها دائمی ساخته اند. حرفه دیگری جز کشتن نمی شناسند. ادامه این نوع از سیاست هم هست که مغلوبین را به آن جا رهنمون می شود که با تبدیل جان خود به اسلحه، در این جنگ نابرابر و از پیش مغلوبه، نوع دیگری از نابودی را برگزینند.

قتل شیخ یاسین به عملیات انتحاری پایان نخواهد داد. فلسفه این انتحارها را در نفوذ امثال یاسین نمی توان جستجو کرد. علت این انتحارها در جای دیگری نهفته است. در آن جا که انتخاب در زندگی آدم ها چنان محدود و همه انتخاب ها چنان تلخ می شوند که مرگ داوطلبانه، یکی از آن ها و به یک گزینه معمولی تبدیل می شود.

آریل شارون، نخست وزیر اسرائیل، با اتکا به حمایت بی قید و شرط دولت آمریکا، در طول چند سال گذشته با شعار امنیت نه فقط تمام تلاش های

تاکنونی برای حل صلح آمیز مساله اسرائیل و فلسطین را نقش بر آب ساخته و طرح های مختلف صلح را به گور سپرده است، بلکه با تکیه بر ترور دولتی علیه مردم فلسطین، همه نهادهای تازه پای دولت فلسطین را به انحاء گوناگون درهم شکسته است و ادامه خشونت و ترور را به تنها زبان گفت و گو میان دو ملت تبدیل نموده است. آقای شارون البته حق دارد که از تبدیل زبان صلح و گفت و گو و احترام متقابل میان دو ملت به مبادله بمب و عملیات انتحاری خشوندمد باشد. در غیر این صورت روشن نیست که امثال ایشان چه کار دیگری می توانستند بکنند. ولی جامعه بین المللی نباید در مقابل این سیر قهقرائی سکوت کند و افکار عمومی جامعه اسرائیل باید بداند که بدون امنیت برای فلسطینیان، بدون به رسمیت شناختن حقوق پامیال شده ملت فلسطین، بدون نقد کارنامه پنجاه ساله گذشته خصومت و نفرت دو جانبه، هیچ زرادخانه و هیچ ژنرالی از نوع آقای شارون هم قادر نخواهد بود، چنین امنیتی را برای اسرائیلی ها به ارمغان بیاورد.

امنیت در اسرائیل در گرو پایان دادن به رژیم اشغال دائمی سرزمین های فلسطینیان، تامین صلح و به رسمیت شناختن حق حاکمیت آنان بر سرنوشته خود شان است.

امنیت در اسرائیل نه از طریق ترور مخالفین، فقط از طریق صلح و آشتی امکانپذیر است. تنها راه متوقف نمودن ترور و خلع سلاح تروریست ها از بین بردن زمینه رشد آن ها، و منزوی نمودن آن ها با تقویت نیرو ها و نهادهای جامعه مدنی در میان فلسطینیان و به رسمیت شناختن حقوق اولیه آنان است.

### رهایی از زندانهای رژیم

بنا به اخبار رسیده، چند تن از مبارزین حزب دمکرات کردستان ایران موفق می شوند تا از زندانهای رژیم گریخته و خود را به صفوف حزب برسانند. در خبری که در این مورد در نشریه کردستان، شماره ۲۸۵ درج شده است میخوانیم که:

« ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز شنبه ۱۳۸۲/۱۲/۲۵ خورشیدی بمناسبت رهایی یافتن پیروزمندانه چند مبارز حزب دمکرات کردستان ایران از زندانهای رژیم، مراسم باشکوهی با حضور دبیر کل حزب، شماری از اعضای دفتر سیاسی و رهبری حزب و صدها کادر و پیشمرگه و اعضا و خانواده هایشان و نیز رهایی یافتگان از زندان، در یکی از سالنهای قرارگاه دفتر سیاسی حزب برگزار شد.

در این مراسم نخست به رهایی یافتگان از زندان و بازگشتشان به آغوش حزب خیر مقدم گفته شد و سپس رفیق مبارز عبدالله حسن زاده دبیر کل حزب در رابطه با اقدام شجاعانه این دسته از مبارزان حزب و رهایی آنها از بند بیدادگران جمهوری اسلامی، بیانات پرشور و زیبایی را ایراد نمود و از همه کسانی که در جریان این اقدام انساندوستانه و آزادیخواهانه خطرات و زحماتی را متقبل شده اند، قدردانی نمود.»